

روزگار غریبی است

قدیمی‌های فوتبال و کسانی که امروز عرصه جوانی را پشت سر گذاشته‌اند حتما محمدرضا عادلخواهی اسطوره چپ‌پای فوتبال ایران را به خاطر می‌آورند. وی که ماه‌ها در آلمان زندگی می‌کرد، مدتی پیش به ایران بازگشت. مج پای چپش بدتر از همیشه است. وضعش آن‌قدر ناهنجار شده که وقتی پایش را می‌بینی فکر می‌کنی همین حالا باید آن را از مج قطع کنی.

او می‌گوید: «دریغ ندارم. برای ایران جانفشانی کردم و راضی هستم. دلم ناراحت نیست. من با همین پای چپ تیم فوتبال اسرائیل را در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران شکست دادم و با ضربه همین پای چپ بود که تیم اسرائیل غاصب را به هم ریختم. اما انگار نه انگار، کسی حالا حتی حال مرا هم نمی‌پرسد، چه رسد به اینکه بیایند و مج پایم را نگاه کنند. روزگار تلخی است و چه دریغی از این بزرگواران که هیچ، نه، من از هیچ‌کس انتظار ندارم».



افلاکی در افلاک

گاهی مواقع تحولاتی در زندگی انسان رخ می‌دهد که او را از این عالم خاکی جدا می‌کند و این هویت معنوی بس بزرگ است برای کسانی که آن را درک می‌کنند. از زمانی که افلاکی کاپیتان سابق تیم ملی تکواندو مدال‌ها و کاپ‌های قهرمانی خود را به آستان مقدس حضرت عبدالعظیم^ع اهدا کرد و خادم افتخاری این حرم شد، حال و هوای خاصی پیدا کرده است او می‌گوید: «این شال منقوش به تصویر گنبد آستان مقدس حضرت عبدالعظیم^ع که بر دوش من افتاده بزرگ‌ترین هدیه زندگی من است و آرزو دارم بتوانم در این سنگر خدمتگزار خوبی برای این بارگاه ملکوتی باشم». این گفته ما را یاد همان روزهای اول انقلاب و هشت‌سال دفاع مقدس می‌اندازد و تلنگری به ما می‌زند که در این مملکت گهگاه ورزشکارانی پیدا می‌شوند که در عرصه معرفت با نور چراغ قانون در مسیر زندگی قدم نمی‌گذارند و با نورانیت خورشید، قربت و نزدیکی دارند.

صهیونیسم دست از سر ورزش ایران برنمی‌دارد!

هر زمان که قرعه‌کشی جام باشگاه‌های اروپا یا جام یوفا صورت می‌گیرد، از شانس بد بازیکنان ایرانی شاغل در اروپا تیم‌های اروپایی یا تیم‌هایی از رژیم اشغالگر در یک گروه قرار می‌گیرند.

اولین بازیکنی که با این مشکل مواجه شد مهرداد میناوند بود که با اشتروم‌گراتس در گروه تیم مکابی اسرائیل قرار گرفت، اما مهرداد همان کاری را کرد که باید می‌کرد و با اشتروم‌گراتس به اسرائیل نرفت.

وحید هاشمیان دیگر بازیکنی بود که باید با بایرن مونیخ به تل‌آویو می‌رفت و ماگات اصرار زیادی به حضور او در این بازی داشت، اما هاشمیان این کار را نکرد و خیلی‌ها می‌گویند او به همین دلیل آخر فصل از بایرن مونیخ جدا شد.

و در آخرین نوبت رحمان رضایی با لیورنو در گروهی قرار گرفت که تیم مکابی اسرائیل در آن حضور داشت و این مدافع ایرانی هم برای دفاع از حق مردم مظلوم فلسطین همان کاری را کرد که سایر بازیکنان و ورزشکاران ایرانی پیش از این کرده بودند. این است حس همدردی که در تمامی ورزشکاران ما موج می‌زند و به آنان باید افتخار کرد.



یک افتضاح ورزشی دیگر؛ اما نه در فوتبال!

از فوتبال و بازیکنان و داوران آن زیاد شنیده‌اید. شاید گمان کنید دیگر رشته‌های ورزشی جو بسیار سالم‌تری از فوتبال دارند، ولی درگیری لفظی و ناسزاگویی دو داور اسمی در جریان یک بازی رسمی، از جمله نادرترین صحنه‌های والیبالیست را رقم زد. باعث تأسف است که والیبالیست باید چنین صحنه‌های زشت و زنده‌ای را به خود ببیند و منشأ چنین افتضاحی باشد.

بازیکن اگر خطا کند، اخطار می‌گیرد و در نهایت بازنده اعلام می‌شود و شاید اخراج هم بشود، اما داور اگر در جریان بازی درگیر شود چه باید کرد؟ پس از این اتفاق که داوران بازی تعویض شدند، ولی آبروی داور چها!

این اتفاق مصداق همین ضرب‌المثل است: هرچه بگردد نمکش می‌زنند، وای به روزی که بگنجد نمک!

یک حرکت ارزشی ورزشی

ناقوسی، رئیس کمیته فرهنگی فدراسیون کشتی برنامه‌های متنوعی را برای تقویت روحیه و معنویت در جمع اردو نشینان کشتی در دستور کار خود قرار داده است.

یکی از این برنامه‌ها، حضور گروهی و دسته‌جمعی اردو نشینان تیم‌های ملی رده‌های سنی مختلف در زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس مذهبی است.

در همین راستا چندی پیش اردو نشینان تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی نوجوانان و بزرگسالان کشورمان به همراه محمدرضا یزدانی خرم عازم شهر مقدس قم شدند تا ضمن زیارت بارگاه ملکوتی حضرت معصومه^ع کریمه اهل بیت، در مراسم دعای توسل مسجد جمکران نیز شرکت کنند.



خدا حافظی مهدوی کیا

آیا استقبال تماشاگران هامبورگ را از مهدوی کیا دیدید یا چیزی درباره آن شنیده‌اید؟

نکته جالب درباره این ماجرا آن است که مهدوی کیا از فصل آینده دیگر پیراهن هامبورگ را نمی‌پوشد و این احتمال وجود دارد که فصل آینده در برابر همین تیم با پیراهن دیگری بازی کند، اما هامبورگی‌ها ترجیح دادند به چشم یک خائن یا دشمن به او نگاه نکنند و به یاد خاطرات هشت سال گذشته، آخرین روز را به یادماندنی کنند!

یک تصور این است که ما عاطفی هستیم و آلمانی‌ها ماشینی! جشن خدا حافظی مهدوی کیا نشان داد که این تصور اشتباه است. رفتار آنان را با خودمان مقایسه کنیم. کدام بازیکن فوتبال را در ایران سراغ دارید که در روز آخر از طرف تماشاگران این گونه تشویق شود!

حرف‌های تنوری

هزینه فوتبال ما را چه کسی می‌پردازد؟

اعتراض گروهی از نمایندگان مجلس به عقد قراردادهای کلان با بازیکنان و مربیان را می‌توان فصل تازه‌ای در فوتبال فوق حرفه‌ای ما برشمرد. فوتبالی که در آن پول‌های بی‌حساب خرج عده‌ای می‌شود که خود را محق به دریافت آن می‌دانند و البته منابع تأمین این پول‌ها، بودجه دولتی است.

زمانی که بحث ائتلاف بیت‌المال تازه در گرفته بود، استدلال گروهی از مدیران ورزشی تیم‌های صنعتی آن قدر سست به نظر می‌رسید که می‌شد از آن به توجیه دم‌دستی یاد کرد. آنان معتقد بودند کارگرانی که در این کارخانه‌ها مشغول کارند و نیز مردم شهرهایی که میزبان این مراکز صنعتی‌اند خود خواهان وجود چنین تیم‌هایی هستند. جای هیچ تردیدی نیست که کارخانه‌های بزرگ فولاد مبارکه، ذوب آهن و فولاد اهواز متعلق به تمام مردم ایران است که وکالت آن به دولت سپرده شده است. آیا کارمندی که به‌طور مثال در یک شهرستان ماهانه دویست‌هزار تومان حقوق دریافت می‌کند حاضر است از منبری که متعلق به او و امثال اوست، سالانه دست‌کم صد میلیون تومان به یک بازیکن پرداخت شود؟ با چه استدلال و چه حسابی مدیران این تیم‌ها دم از حمایت مردم می‌زنند؟ کدام فرد ایرانی حاضر است از منابعی که به‌طور یکسان متعلق به همه است به یکی خیلی کم و به دیگری خیلی بیشتر برسد!

نوع کار کارگر زحمتکش کارخانه ذوب‌آهن با بازیکنی که حتی برای تمرین کردن ناز و کرشمه می‌آید اصلاً قابل قیاس نیست. کسی راضی می‌شود به‌خاطر شغل طاقت‌فرسایش حقوق روزمزدی بگیرد و مدیر کارخانه‌اش پول قلمبه توی حلق بازیکن و مربی خارجی‌اش بریزد؟

هیچ‌کس ایرادی به تیم استقلال اهواز وارد نمی‌کند. مالکیت آن خصوصی است و مدیرش هرچه می‌خواهد به بازیکنانش بدهد، نوش جان‌شان. اما تیم‌هایی که از بودجه دولتی و عمومی و یک کلام بیت‌المال استفاده می‌کنند، روی چه منطقی با بازیکنان قراردادهای نجومی امضاء می‌کنند؟ این مصداق عینی و قطعی «از کیسه خلیفه بخشیدن» نیست! آن هم فوتبالی که متعلق به دولت باشد. خطای بزرگی است که لیگ ما با لیگ‌هایی مقایسه شود که تیم‌های حاضر در آن به سوددهی محض رسیده‌اند و از قبال جذب یک بازیکن گران‌قیمت، دو برابر پولی را که داده‌اند از کنار آن در می‌آورند! نه مثل تیم‌های ما که مدیرانش پز مدیریت می‌دهند، درحالی‌که اگر دولت کمک‌هایش را قطع کند قادر نیستند حتی یک ماه تیم‌های خود را بچرخانند.

دولتی که خود را عدالت‌گستر معرفی می‌کند باید سری هم به فوتبال بزند. فوتبالی که از بیت‌المال ارتزاق می‌کند و سهم مسلم تک‌تک ایرانیان را به جیب مربیان و بازیکنانی می‌ریزد که اخلاق و کردارشان معلوم است. جای تردید نیست نمایندگانی که ضروری دیدند به‌درستی به این مسائل اعتراض کنند قادر خواهند بود قانونی وضع کنند که دیگر این گشاده‌دستی‌ها نباشد. آن وقت است که کارگر ساده کارخانه ذوب‌آهن و سایپا و یا هر کارخانه دیگری حامی تیمش خواهد بود.



یک کار خوب، یک کار بد

عبدالصمد مرقاوی شاید در لیگ جدید باشد، شاید هم نباشد. مهم رفتار جالبی بود که او در یکی از دیدارهای حساس پایانی از خود نشان داد.

در یکی از این بازی‌ها بود که عبدالصمد مرقاوی چنان به سمت تیم داوری رفت که ما در جلو تلویزیون چشمانمان را بستیم و گفتیم: خدایا، خودت رحم کن! اما خوشبختانه دویین صمد با کظم‌غیظ او روبه‌رو شد و دوربین‌به‌دست‌هایی که با عبدالصمد به سمت داور دوییده بودند لنز از پا درازتر (!) برگشتند.

کار مرقاوی در هجوم به داور جای انتقاد دارد و عملش در کنترل خود یک احست بلندبالا.

کاش صمد پیش از هجوم به داور کمی بیشتر فکر می‌کرد و برای تبریک به سمت سرمربی تیم حریف می‌رفت.



همه می‌بخشند!

۱. من می‌بخشیم؛ تو می‌بخشی؛ او می‌بخشد.
۲. ما می‌بخشیم؛ شما می‌بخشید؛ آنان می‌بخشند.
۳. تو خطا کنی، من می‌بخشیم؛ من خطا کنم، تو می‌بخشی؛ او خطا کند، ما می‌بخشیم.
۴. ما خطا کنیم، آنان می‌بخشند؛ آنان خطا کنند، شما می‌بخشید؛ شما خطا کنید، ما می‌بخشیم. (البته نه هرخطایی!)
۵. تیمی خطا کند، کمیته انضباطی نمی‌بخشد، کمیته انضباطی نمی‌بخشد، فدراسیون می‌بخشد، فدراسیون نمی‌بخشد، سازمان می‌بخشد.

دیوارهایی که فرو می‌ریزند!

حتماً شنیده‌اید، یا به خاطر می‌آورید که در اولین فصل از سال جدید بازرگانی سازمان تربیت بدنی را در باشگاه استقلال با چاقو مضروب کردند و یا حرمت‌شکنی‌های بسیار ناخرسندی که از طرف بازیکنان آن باشگاه صورت گرفته است. در باشگاه پرسپولیس هم به‌گونه‌ای دیگر درگیری صورت گرفت. در یک کلام، لیگ سال قبل در دوران پایانی خود در راس مدیریت تیم‌های باشگاه استقلال و پرسپولیس دچار ناامنی شد.

نشریه دیدار که قدم در یک حرکت فرهنگی نهاده و احساس آشنایی و نزدیکی بسیار با نسل جوان خود دارد معتقد است، سازمان تربیت بدنی با دخالتی مضاعف باید ریشه این‌گونه مسائل را در این دو باشگاه بخشکاند.

یادتان باشد، حداقل ما به خاطر نداریم که در ۴۵ سال اخیر سرپرست یا مدیر یک باشگاه فوتبال رده اول در این مملکت به این نحو سبوعانه چاقو بخورد.

آری، اگر دیوار و حریم فرهنگی ورزش کم‌کم فرو ریزد باید منتظر اتفاقاتی بس ناخوشایندتر از این در شروع لیگ سال جدید باشیم.



مدیران باشگاه به جنگ ماتکن‌ها می‌آیند...

استقلال در روزهای پایانی لیگ حرفه‌ای تبدیل به یک نماینده مد شده بود و بازیکنان این تیم که فکر می‌کردند مقام قهرمانی آنان در لیگ حرفه‌ای مسجل شده، با ظاهری عجیب به میدان می‌آمدند و اگرچه برخی از آنان مانند گذشته بودند و هیچ تغییری در سر و وضع خود نداشتند.

کار به جایی رسید که عده‌ای از آبی‌ها دنبال برنزه کردن پوست خود و اصلاح موهایشان بر اساس آخرین مدل‌های روز دنیا افتادند. اما در نهایت هیچ‌کدام از این حرکات مانع موضع‌گیری هواداران علیه آنان نشد. زیرا برای مردم نتیجه مهم بود، نه قیافه بازیکنان.

البته به نظر می‌رسد برای برخی از مسئولان باشگاه قیافه بازیکنانشان تکان‌دهنده بود. و ظاهراً قصد دارند فصل آینده به‌طور جدی با آرایش غیرمتعارف بازیکنانشان برخورد کنند.

حماسه والیبالیست‌های جوان، ناز و ادای فوتبالیست‌های بزرگ

حماسه بزرگ تیم ملی والیبالیست‌های جوان ایران مصادف شد با بازی‌های انتقادی تیم ملی فوتبال در جام ملت‌های آسیا! تیم فوتبالی که تا دلتان بخواهد آدم‌های پر ادعا و بازیکنان مغرور داشت.

اعضای تیم ملی جوانان از زمان حضور در تیم نوجوانان تاکنون با هم هستند درست مثل تیم ملی فوتبال که اسکلت آن تقریباً از سال‌های گذشته حفظ شده است. کار این والیبالیست‌ها وقتی بیشتر جلب توجه می‌کند که بدانیم بر خلاف فوتبالیست‌ها در این مدت، هیچ توجهی به آن‌ها نشده بود و به‌جز جامعه والیبالی کشور هیچ‌کس خبر نداشت که اصلاً چنین تیمی به مسابقات جهانی اعزام شده و توانسته در مرحله اول غول‌هایی چون بلغارستان، ژاپن، ایتالیا و... را شکست دهد!

در شرایطی که چندماه قبل همه دنبال دلایل خط خوردن نیکبخت، مبلغ قرارداد علی کریمی با القطر، غذا خوردن وحید هاشمیان و میزان خواب شبانه‌روزی رحمان رضایی بودند، چند جوان دلاور ایرانی، والیبالی جهان را دچار شوک کردند تا این واقعیت ثابت شود که بعضی از ما ایرانی‌ها تا زمانی که مشهور نشده‌ایم و غرور سراپایمان را نگرفته خوب کار می‌کنیم اما به محض اینکه احساس کنیم آدم‌های مهمی هستیم، ناز و ادایمان هم شروع می‌شود در همین تیم ملی فوتبال که ادعای بعضی از کادر فنی و بازیکنانش را یک تریلی ۱۸ چرخ نمی‌کشد هستند کسانی که فکر می‌کنند حتی لحن حرف‌زدنشان از تمام مردم دنیا بهتر، قشنگ‌تر و علمی‌تر است!

البته نباید ایرادی به این اساتید بگیریم! چون خودمان آنها را بزرگ می‌کنیم و خودمان هم دنبالشان می‌رویم تا حضرات افتخار بدهند و با ما مصاحبه کنند. حالا که مدتی از جام ملت‌های آسیا گذشته و تیم ملی فوتبال کشورمان با نتیجه‌ای بسیار ضعیف به وطن بازگشته است در مقام مقایسه، تیم ملی والیبالی جوانان، تیم ملی بسکتبال، تیم دومیدانی نشان دادند که فوتبالیست‌های پولدار ما فقط سر و وضع‌شان مثل اروپایی‌هاست ولی از نظر فنی و رفتار حرفه‌ای فرسنگ‌ها با آن فاصله دارند.

عراق و ستاره‌های پوشالی

تیم ملی عراق تمام لژیونرهای پرفیس و افاده و پر ادعا را که برخی از آنها در لیگ ایران بازی می‌کنند کنار گذاشت و با یک مشت جوان بی‌ادعا بر بام فوتبال آسیا نشست در حالی که تا پیش از این در تمام عمر فوتبال خود حتی طعم فینال جام ملت‌ها را نچشیده بود. باید گفت اگر ایران نیز راه «ویپرا» سرمربی عراق را می‌رفت و به جای اتکا به ستاره‌های پوشالی از یاران قابل و با انگیزه بهره می‌برد، امروز هشت فوتبال، گرو نه نمی‌شد!

نمونه کامل از حجاب والیبالیست‌های ایرانی

حضور تیم ملی والیبالیست‌های ایران پس از سی سال در یک تورنمنت بین‌المللی آن هم با پوشش اسلامی، اتفاق بسیار مهمی برای جامعه والیبالی ایران است. تیم والیبالی بانوان ایران، شهریورماه سال جاری به تایلند می‌رود تا در چهاردهمین دوره مسابقات والیبالی قهرمانی ملت‌های آسیا شرکت کند، پوشش اسلامی این تیم یک مسأله بی‌نظیر در ورزش دنیاست، پیش از این نیز بازیکنان تیم والیبالی زنان مصر با مقنعه و شلوار در مسابقات قهرمانی جهان در ژاپن شرکت کرده بودند. پوشش کامل زنان والیبالیست ایرانی می‌تواند الگویی مناسب برای سایر کشورهای اسلامی باشد.



آفرین به پروین

علی پروین شاید تنها چهره‌ای بود که بعد از ناکامی امیر قلعه‌نویی در جام ملت‌ها از این مربی حمایت کرد. پروین مرد سرد و گرم چشیده‌ای است و برخلاف خیلی‌ها که منتظر فرصتی برای تخطئه امیر قلعه‌نویی بودند وقتی کار تمام شد زبان به دهان گرفت و هیچ سخنی علیه او به زبان نیاورد. او حتی تا جایی که امکان داشت از همکاری جوانش حمایت کرد تا الگویی باشد برای بقیه مربیان ایرانی که اکثراً خودش را بهترین مربی ایرانی می‌دانند و در مواقع شکست هم رفتار حرفه‌ای از خود نشان نمی‌دهند.

جنگ بوکسور انگلیسی با دخانیات

«جیمز اویولا» بوکسور ۴۶ ساله انگلیسی با اصلیت نیجریه‌ای به تنهایی به جنگ با کمپانی‌های دخانیات رفته است. وی که در بریتانیا به دلیل یک اتهام در سال ۱۹۹۶ به پسر بد مشهور شده و مدتی را به خاطر بیماری ریوی و قلب برای کشیدن سیگار در بیمارستان سپری کرد برای آگاه کردن مردم برنامه‌ای را در سالن تئاتر شهر لندن برگزار کرد و از مردم خواست تا از همین حالا سیگارهای خود را خاموش کنند.

روزنامه سان نوشته است مافیای دود به او اجازه نخواهد داد تا بیش از این تندروی کند و مرگ در انتظار اوست!

یک فرهنگ سازی از علی دایی

علی دایی، سرمربی سایپا چندی قبل اظهارنامه مالیاتی خود را در موعد مقرر به سازمان مالیاتی کشور تسلیم کرد و با اشاره به اینکه حضورش در سازمان مالیاتی صرفاً امری شخصی و مبتنی بر یک حرکت فرهنگی بوده خاطر نشان کرد: هر ساله اظهارنامه مالیاتی خود را در تیرماه تحویل حوزه مالیاتی مربوطه می‌دادم اما امسال به دلیل این که می‌خواستیم در امر فرهنگ‌سازی مالیاتی نیز نقش و سهم کوچکی داشته باشیم به ستاد سازمان مراجعه کرده و اظهارنامه مالیاتی خود را به رئیس کل سازمان مالیاتی تحویل دادم. بیش از این نیز کریم باقری در مراسم دیدار خانواده مالیاتی با رئیس جمهوری که در آخرین روز از هفته فرهنگ مالیاتی برگزار شد به‌عنوان مرد نمونه مالیاتی انتخاب شد و مورد تقدیر قرار گرفت. امیدواریم با حرکات مردان ورزشی، هنرمندان و اهالی فرهنگ و هنر که الگوی جوانان هستند با حرکات ارزشمند این چنینی زمینه‌ساز فرهنگ‌هایی صحیح در جوانان گردند.

مرد محبوب ژرمن‌ها: مهم کمک کردن به محرومان است

بدون تردید فرانس بکن باوئر را می‌توان سرشناس‌ترین و محبوب‌ترین چهره فوتبال آلمان دانست. بکن باوئر پس از عملکرد بی‌نظیرش به عنوان مدیر اجرایی جام جهانی ۲۰۰۶ توانست باز هم بر محبوبیت خود در کشور آلمان بیفزاید. ستاره اسبق بایرن مونیخ و تیم ملی آلمان از معدود فوتبالیست‌هایی است که افزون بر فعالیت در عرصه ورزش، در عرصه‌های سیاسی، فرهنگ و اجتماعی نیز فعالیت دارد.

از جمله کارهای بزرگ او تأسیس یک مؤسسه خیریه با هدف کمک به نیازمندان می‌باشد. این مؤسسه خیریه که حالا ۲۵ ساله از زمان تأسیس آن می‌گذرد، کمک به بیماران، کودکان بی‌سرپرست و... را بر عهده دارد. او درباره این مؤسسه گفته فعالیت‌های این‌جا بدون هیچ سر و صدا و بدون حضور خبرنگاران و رسانه‌ها انجام می‌گیرد چون چیزی که مهم است کمک‌رسانی به افراد نیازمند است نه وجود شخص من در مؤسسه.



عمل بینی

خبرهای رسیده حاکی از آن است که در یک تیم لیگ برتری دوازده بازیکن روی بینی خود عمل زیبایی انجام داده‌اند! بدیهی است که این تیم، تیم بانوان نیست بلکه تیم آقایان است. البته گفته می‌شود شش، هفت نفر از عزیزان دل‌انگیز ما ادعا کرده‌اند که بینی مربوط را به خاطر تنگی نفس جراحی کرده‌اند!